

ابن سینا و ادب پارسی

دکتر محمد طاهری*
استادیار دانشگاه بوعلی سینا

چکیده:

ابن سینا از چهره های ممتاز و موثر در فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی است. شخصیت او از سه جهت بر زبان و ادب فارسی تاثیر نهاده است: نخست آنکه این دانشمند بزرگ سهمی بسزا در نثر علمی فارسی داشته و جزو نخستین واضعان اصطلاحات علمی به زبان فارسی است. دو دیگر آنکه وی دارای ذوق شعر نیز بوده و ابیات زیبایی از وی روایت کرده اند. بعد سوم تاثیر او بر ادب فارسی اشارات و تلمیحاتی است که نویسندگان و شاعران در آثار خود به این نابغه دوران داشته اند.

کلید واژه ها: بوعلی سینا، نثر فارسی، شعر فارسی

*آدرس: همدان - کوی استادان - مجتمع استادان دانشگاه بوعلی - هفتاد دستگاه - بلوک ۴ واحد ۵ تلفن: ۰۸۱۱ - ۸۲۴۷۸۷۰

Email: mytaheri@yahoo.com

ابن سینا و ادب پارسی

رابطه شیخ رئیس ابوعلی سینا با ادب فارسی از سه دیدگاه قابل بررسی و دقت نظر است .

۱ - اهمیت تألیفات علمی ابن سینا به زبان فارسی و جایگاه این آثار در عرصه نشر فارسی

۲ - اشعار منسوب به ابن سینا

۳ - تلمیحات و اشارات مربوط به ابن سینا در ادبیات فارسی

در باب مقوله نخست باید گفت که بوعلی به همراه ابوریحان بیرونی (صاحب التفهیم) و محمد بن ایوب طبری (صاحب شمار نامه^(۱))، نخستین دانشمندانی بودند که ضرورت تألیف متون علمی به زبان فارسی را دریافتند و آگاهانه پیشگام امری خطیر در حوزه فرهنگ ایرانی شدند. آنگونه که در کتب مربوط به تاریخ ادبیات مسطور است، اغلب آثار علمی عهد سامانیان و غزنویان به لغت عربی یعنی زبان مسلط و رایج عصر بوده است؛ چنانکه فی المثل از ۴۷۹ اثر منسوب به ابن سینا تنها از ۲۳ کتاب و رساله به زبان فارسی یاد شده که مشهورترین آنها همانا دانشنامه علایی و رساله نبض (رگ شناسی) است. دانشمند فقید دکتر حسین خطیبی درباره اهمیت تألیفات فارسی ابن سینا چنین می نویسد: «ارزش آثار فارسی ابن سینا بیشتر از آن نظر است که دوره زندگانی اودرست با اولین دوره نثر فارسی تطبیق می کند. دوره ای که هنوز زبان فارسی لهجه ای بیش نبود و از حیث مفردات لغات و ترکیبات و اصطلاحات قدرت قبول و بیان مفاهیم و معانی دشوار علمی را نداشت» البته ابن سینا در پاسخ به نیاز طبیعی هم میهنان فارسی زبان خویش، رنج تألیف کتب سترگی همچون دانشنامه علایی را بر خود هموار کرد. پیشگامی او در نثر علمی فارسی شباهت زیادی با نخستین سرایندگان شعر فارسی در دربار یعقوب لیث صفاری دارد. شهردان ابن ابی الخیر در نزهت نامه علایی می نویسد: «شنیدم که خداوند ماضی علاء الدوله خواجه رئیس بوعلی سینا را گفت اگر علوم اوایل به عبارت فارسی بودی؛ من توانستم دانستن». این پیشگامی به آسانی نصیب شیخ رئیس نگردید چرا که نگارش متون علمی به زبان فارسی مستلزم آن بود که برای دهها بلکه صدها اصطلاح علمی که در زبان عربی به جهت ایفاد مطلب وضع شده بود، معادل مناسب فارسی قرار گیرد. بوعلی نیک می دانست که نثر فارسی سرشار از اصطلاحات و واژگان تازی، نثری بی هویت است که خواننده را دچار تحیر و سرگردانی می کند و او را از دریافت صحیح معانی باز می دارد. بنابراین وی از همه ظرفیتهای زبان فارسی در امر واژه سازی بهره گرفت و با استفاده از ویژگی منحصر بفرد این زبان، یعنی ترکیب پذیری نامحدود اسم با اسم و نیز اسم با ریشه فعل، برای دهها اصطلاح عربی برابر نهاده هایی همگن و زیبا به فارسی فصیح وضع نمود و بدین سان اساسی را پی ریخت که همچنان پس از هزار سال می تواند سرمشقی دل انگیز و کار آمد برای واژه سازان امروزمین باشد. در این جا مناسب می نماید که به برخی از برابر نهاده های شیخ رئیس در کتاب دانشنامه علایی اشاره ای کوتاه شود^(۳):

اندر میان افتاده الواقع فی الوسط

ایستاده بخود قائم بالذات

بی گسستگی لای تقطع

پاره شدن تجزی

پهن ناخن عریض الاظفار

جنبش دار متحرک

روشن سرشت منور الفطره

فروسو جهت سفلی

گفتنی است که بوعلی همچون همه دانشمندان آزاده و بی تعصب، تنها رسایی مطلب را مد نظر داشته و به هیچ وجه با استفاده از لغات عربی جا افتاده در زبان فارسی عناد نداشته است. مراد آنکه واژه سازی او (و نیز ابوریحان بیرونی در التفهیم) تنها در جهت رساندن مطلب برای فارسی زبانان است و اگر ساختن اصطلاحی ایجاب می کرده که واژه عربی را نیز به خدمت بگیرد، از این کار ابایی نداشته و گواه این مدعا معادل هایی است از قبیل «حدّ کهن» در برابر «حدّ اصغر» و «سردی طبیعی» در برابر «برودت طبیعی»، «علم پیشین» به جای «حکمت اولی» «قسمت پذیرفتن» به جای «قبول قسمت»، «قوت داننده» به جای «قوت عاقله» و دهها مانند آن.

دومین جنبه ارتباط شیخ الرئیس با ادبیات فارسی، اشعار اوست. از این حیث می توان بوعلی را با حکیم عمر خیام نیشابوری، فیلسوف و دانشمند قرن بعد مقایسه کرد. هر چند تراوش های ذوقی ابن سینا و رباعیات بی نظیر خیام هرگز همسنگ یکدیگر نیستند. با این حال توجه هر دو دانشمند به امر شاعری، حاکی از علاقه عام فیلسوفان منطقی اندیش به شعر فارسی در تاریخ ادب پارسی است. نکته دیگر آنکه چون انتساب شعر به شخصی چون ابن سینا بسی سهل تر از رساله های منشور علمی می باشد، به بسیاری از این اشعار باید به دیده شک نگریست چرا که بسیاری از آنچه که بنام وی ثبت شده نمی تواند از آن شیخ باشد^(۴). با این حال انتساب موارد زیر به بوعلی بی وجه نیست:

۱- قطعه معروف در وصف باده به مطلع:

غذای روح بود باده حریق الحق رنگ و بوش کند رنگ و بوی گل را بق

که در آن از علاقه بی حدّ خود به باده نوشی سخن گفته و می را برای اهل کمال، جایز و برای دیگران منع می کند و با توجه به آنچه که در شرح احوال او آورده اند، مضمون این شعر با شیوه مألوف ابن سینا کاملاً مناسبت دارد^(۵).

۲- دو رباعی مشهور:

دل گر چه در این بادیه بسیار شتافت یک موی ندانست ولی موی شکافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت و آخر به کمال ذره ای راه نیافت

و:

از قعر گل سیاه تا اوج زحل کردم همه مشکلات گیتی را حل
بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل هر بند گشوده شد مگر بند اجل

با توجه مضمون آنها که حاکی از وقوف سراینده به جمیع علوم روزگار است، از آن شیخ می نماید.

۳- در یک رباعی مشهور بدین گونه به انبوه ابلهان عصر که وی را متهم به کفر می کردند پاسخ گفته است:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکمترا از ایمان من ایمان نبود
در دهر یکی چون من و آنهم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود

گفتنی است که نسبت الحاد و کفر به آزاد اندیشان دانشمندی چون بوعلی بدبختانه امری متداول در تاریخ بوده است. چنانکه مورخ نامی عرب ابن اثیر در تاریخ خود ابن سینا را فیلسوفی ملحد خوانده و محتوای کتب او را در بر شریعت قلمداد کرده است. وی ضمن بیان وقایع سال ۴۲۸ هجری چنین می نگارد:

« وفی شعبان توفی ابوعلی سینا الحکیم الفیلسوف المشهور صاحب التناصیف السائره علی مذهب الفلاسفه و کان یخدم علاء الدوله ابا جعفر ابن کاکویه و لا شک ان ابا جعفر کان فاسد الاعتقاد و لهذا اقدم ابن سینا علی تصانیفه فی الالحاد الرد علی الشرایع فی بلده»^(۶)

۴- ابن سینا صریحاً در شرح احوال خود از مذهب اسماعیلی که پدر و برادرش بر آن بودند تبری می جوید با این حال بعید نیست که با توجه به شرایط زمان و مخصوصاً با تعصبی که سلطان محمود در قلع و قمع قرامطه داشته این امر نوعی تقیه بوده باشد. اما ظاهراً در تشیع او تردیدی نیست. در کتاب شفا در مبحث امامت و خلافت می نویسد: «والاستخلاف بالنص اصوب فان ذلك لا يودی الی الشغب والتشاغب والاختلاف»^(۷)

و این چنین تشیع خود را در رباعی زیر آشکار کرده است :

تا باده عشق در قده ریخته اند
و ندر پی عشق ، عاشق انگیزته اند
با روح و روان بوعلی مهر علی
چون شیر و شکر به هم در آمیخته اند

نتیجه آنکه چه این اشعار حاصل ذوق شخص ابن سینا و چه منسوب بدو باشد ، نشانگر واقعیتی مهم است و آن اینکه برای قُدماً کاملاً طبیعی می نموده که فیلسوفی سترگ به زبان مادری و ملی خود یعنی فارسی دری ، شعر بگوید و بدین ترتیب ادعای متعصبینی که بوعلی را عرب و (گاه ترک) پنداشته اند ، به گونه ای دیگر ابطال می شود .

بعد دیگر ارتباط بوعلی با زبان فارسی ، انعکاسی است که شخصیت ممتاز وی در ادبیات دوره های بعد پیدا کرده است . شخصیت علمی و ویژگی های منحصر بفرد او کاملاً از این قابلیت برخوردار بوده که بعنوان مظهر علم و حکمت در نظم و نثر فارسی مطرح شود . مشهورترین اشاره به وی دو داستان مندرج در چهار مقاله نظامی عروضی است که در حکایت نخست از چگونگی معالجه جوانی مبتلای به بیماری عشق توسط ابن سینا سخن رفته است . این همان مضمونی است که بعدها مولانا در نخستین داستان مثنوی یعنی داستان پادشاه و کنیزک از آن سود جسته و شخصیت بوعلی را به صورت حکیمی الهی و مرسل غیب جلوه داده است و چندی بعد از مولوی در آثار البلاد قزوینی نیز همین داستان آمده است. حکایت دوم راجع به درمان شاهزاده مبتلا به مالیخولیا است. داستانی که در قرن نهم عبدالرحمن جامی به شیوایی آن را به نظم کشیده است. هم چنین در تذکره الاولیا عطار و نیز اسرار التوحید محمد بن منور حکایاتی دال بر ملاقات ابن سینا با ابوسعید ابوالخیر دیده می شود . شگفت آنکه محمد ابن منور برای تعظیم نیای خود بوعلی را در سلک معتقدان و مریدان ابوسعید قلمداد می کند.

با این حال گفتنی است که هر چه در متون نثر فارسی مانند چهار مقاله و اسرار التوحید و تاریخ گزیده مقام شامخ ابن سینا را ستوده اند ، به همان میزان در بعضی متون نظم وی را نکوهیده اند و حکمت بوعلی را به عنوان مظهر عقل خاکی در مقابل عشق افلاکی سرزنشها کرده اند از آن جمله است سروده انوری که در ستایش خود گوید :

مسکن روح قدس شد دل او
نی دل تنگ بوعلی سینا

و نیز سنائی غزنوی راست :

که یارب مرسنایی را سنایی ده تودر حکمت
چنان کز وی ره رشک آید روان بوعلی سینا
و مولانا نیز متاسفانه در غزلی چنین گفته :
درون سینه چون عیسی نگاری بی پدر صورت
که ماند چون خری در گل ، زفهمش بوعلی سینا

و این اشاره خواجه شیراز به کتب مشهور شیخ بی تعریضی نیست :

دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت هیئات که درد تو ز قانون شفا رفت

ریشه های مخالفت و انکار حکمت بوعلی در شعر فارسی را باید در آثار ضد فلسفی امام محمد غزالی یافت . « غزالی در تهافت الفلاسفه ، بو نصر فارابی و ابن سینا را رد می کند و می گوید علی التحقیق آنها را ظلماتی فوق ظلمات فرا گرفته است و در المنقذ من الضلال متذکر شده است که این دو فیلسوف در بیست مورد در موضوع الهیات اشتباه کرده اند . در سه مورد مستوجب تکفیر و در هفده مورد مستوجب تبعیدند^(۶)»

با این حال باید نکوهش برخی عرفا و شعرا از بوعلی را مدحی شبیه به دم تلقی کرد . چرا که در همین اشعار نیز بوعلی به عنوان مظهر و نماد علم مطرح شده و نکوهش نابجای او در واقع وسیله ای بوده برای توجه دادن مخاطب به عالم معنی و عرفان و بجاست که در فرصتی جداگانه به نقد افکاری از این دست که متاسفانه باعث رکود و جمود ایرانیان در زمینه علوم حکمی و تجربی در طول قرون متوالی گردیده اند پرداخته شود .

پی نوشتها

- ۱- «شمار نامه» را قدیم ترین اثر علمی موجود در زبان فارسی دانسته اند . کتابی است در علم حساب و به قول نویسنده آن «در عبارتی مختصر و به فهم نزدیک» نگاشته شده است برای اطلاع بیشتر راجع به این کتاب نگاه کنید به :
صادقی ، رضا ، تجربه های زبان فارسی در علم ، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم / زیر نظر علی کافی ، تهران ، مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۷۲ .
- ۲ - برای اطلاع دقیق تر راجع به تألیفات و آثار ابن سینا رجوع شود به: نفیسی ، سعید، پورسینا ، انتشارات دانش ، تهران ، ۱۳۳۵ .
- ۳ - دکتر محمد معین در مقدمه لغت نامه دهخدا آورده اند : « لغات و اصطلاحات علمی عربی تا زمان ابن سینا استقرار نداشته است و هر کس به سلیقه خود رسا یا نارسا کلماتی را استعمال کرده است ولی از زمان شیخ اصطلاحات استقرار یافت و هر چه او در کتب خود بکار برده برای اسلاف ، حکم لغت و اصطلاح موضوعه را یافته است . برخی از این اصطلاحات از پیشینیان است که شیخ با انتخاب و استعمال آنها موجب رواج آن کلمات گردیده و برخی دیگر مصنوع خود اوست . ابن سینا همانگونه که در مصنفات عربی خود به توسعه لغات و اصطلاحات زبان عربی خدمت کرد ، در آثار پارسی خویش نیز موجب وسعت دامنه لغات فارسی و استعمال آنها شده است . »
- ۴ - برای اطلاع بیشتر از اشعار منسوب به ابن سینا رجوع کنید به :
نفیسی ، سعید ، پورسینا ، انتشارات دانش ، تهران ، ۱۳۳۵ ، ص ۱۸ .
- ۵ - ابو عبید گوزگانی شاگرد و انیس شیخ الرئیس در شرح حال وی می نویسد :
«هر شب دانشجویان در سرایش گرد می آمدند و من از شفا می خواندم و دیگری از قانون به نوبت می خواند و چون فارغ می آمدم ، مغنیان به اختلاف و طبقات می آمدند . و مجلس شراب را به ساز زدن فراهم می کردند . » به نقل از نفیسی ، سعید ، همان ، ص ۹۷ .
- ۶ - رجوع شود به: همایی، جلال الدین، رابطه ابن سینا با اصفهان، جشننامه ابن سینا مجلد دوم ، سلسه انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۲۳۸ ، ۱۳۴۴، تهران ،
- ۷ - رجوع شود به همان ص ۲۳۹ .
- ۸ - به نقل از «گوهرین ، سید صادق ، حجه الحق ابوعلی سینا ، انتشارات توس ، تهران ، ۱۳۴۷ ، ص ۶۰۷ .